



تغییرات اجتماعی

از دیدگاه شهید مطهری

دکتر حفیظ الله فولادی

پاییز ۱۴۰۱

فولادی‌وندا، حفیظ‌الله، ۱۳۴۴ -
تغییرات اجتماعی از دیدگاه شهید مطهری / حفیظ‌الله فولادی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: بنیاد علمی و فرهنگی
علامه مرتضی مطهری، ۱۴۰۱.
۱۶۵ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۶۳۹: جامعه‌شناسی؛ ۴۶)
ISBN : 978-600-298-425-8
بها: ۶۰۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه. ص. [۱۶۳] ۱۶۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. مطهری، مرتضی، ۱۲۹۸-۱۳۵- نظریه درباره تحولات اجتماعی. ۲. Views on -- 1979 - 1921 Motahari, Mortaza
Social change. ۳. تحولات اجتماعی. ۴. Social change. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
BP۲۳۳/۷ ۲۹۷/۴۸
شماره کتابشناسی ملی ۸۹۹۳۸۳۹



تغییرات اجتماعی از دیدگاه شهید مطهری

مؤلف: دکتر حفیظ‌الله فولادی (عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)
ناشران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و بنیاد علمی فرهنگی شهید علامه مرتضی مطهری
صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه
چاپ اول: پاییز ۱۴۰۱
تعداد: ۲۰۰ نسخه
لیتوگرافی: سعیدی
چاپ: قم - سبحان
قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: بنیاد علمی و فرهنگی علامه مرتضی مطهری محفوظ و نقل مطالب با ذکر
مأخذ بلامانع است.
قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات
۳۷۱۸۵-۳۱۵۱.ص.پ. ۳۲۸۰۳۰۹۰، نمایر: ۳۲۱۱۱۳۰۰)
تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰
www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir
فروشگاه اینترنتی: http://rihu.ac.ir/fa/book
مرکز یخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن ناشران

نیاز گسترده جوامع علمی حوزوی و دانشگاهی به منابع و متون درسی در رشته‌های علوم انسانی، حقیقتی انکارناپذیر است. برای رفع این نیاز، مراکز پژوهشی با توجه به محدودیت‌های موجود، می‌توانند با یاری و همکاری یکدیگر، آثار مشترکی تدوین و ارائه کنند تا افزون بر ارتقای کمی و کیفی پژوهش‌ها، از تکرار و موازی‌کاری جلوگیری شود. از این‌رو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و بنیاد علمی فرهنگی شهید علامه مرتضی مطهری، برای نیل به هدف یادشده، نخستین کار مشترک خود را با عنوان تغییرات اجتماعی از دیدگاه شهید مطهری به جامعه علمی تقدیم می‌کنند.

این اثر به‌عنوان منبع کمک درسی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های علوم اجتماعی فراهم آمده است. البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

در پایان لازم می‌دانیم از مؤلف گرامی اثر آقای دکتر حفیظ‌الله فولادی، ناظر محترم آن جناب آقای دکتر غلامرضا صدیق اورعی و نیز ارزیاب ارجمند آقای دکتر کریم خانمحمدی قدردانی و سپاسگزاری کنیم.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه بنیاد علمی فرهنگی شهید علامه مرتضی مطهری

فهرست مطالب

مقدمه..... ۱

فصل اول: کلیات

زندگی.....	۵
آثار.....	۸
زمینه‌های فکری و اجتماعی.....	۹
ویژگی‌های فکری و شخصیتی استاد.....	۱۰
۱. ژرفانگری.....	۱۰
۲. برخورد منصفانه و پرهیز از تعصب در بحث‌های علمی.....	۱۱
۳. جامع‌نگری.....	۱۲
۴. نوآوری و ابتکار در ارائه نقد و نظر.....	۱۳
۵. مسئله‌محوری.....	۱۳
۶. داشتن رویکرد اصلاحی در انحرافات فکری و فرهنگی جامعه.....	۱۴
جایگاه استاد مطهری در میان اندیشمندان مسلمان معاصر.....	۱۴
ضرورت بررسی اندیشه‌های اجتماعی استاد مطهری.....	۱۶
طرح مسئله.....	۱۷
دو مسئله مهم: نظم و تغییر.....	۱۸

فصل دوم: مبانی تحقیق

مبانی هستی‌شناختی.....	۲۲
۱. جهان هستی مخلوق خداوند است.....	۲۲
۲. هستی دارای دو وجه غیب و شهود است.....	۲۳
۳. جهان هستی هدفمند است.....	۲۴
۴. دنیا و آخرت به هم پیوسته‌اند.....	۲۴

پنج

۲۵ مبانی انسان‌شناختی
۲۶ ۱. انسان موجودی عاقل است
۲۷ ۲. انسان موجودی مرکب است
۲۷ ۳. انسان موجودی مختار است
۲۷ ۴. انسان موجودی مسئول است
۲۹ مبانی شناخت جامعه
۳۱ مبانی معرفت‌شناختی
۳۶ مبانی روش‌شناختی
۳۷ مبانی نظری تغییرات اجتماعی
۳۷ چیستی تغییر
۳۸ تفاوت مفاهیم «تغییر» و «تحول»
۳۹ تعریف تغییرات اجتماعی
۴۱ نظریات مربوط به تغییرات اجتماعی
۴۱ نظریه آگوست کنت
۴۳ نظریه کارل مارکس
۴۵ نظریه هربرت اسپنسر
۴۷ نظریه امیل دورکیم
۴۹ ماکس وبر
۴۹ تغییرات اجتماعی در اندیشه متفکران مسلمان
۵۱ تغییرات اجتماعی در اندیشه استاد مطهری
۵۲ علت مواجهه استاد با موضوع تغییرات و تحولات اجتماعی
۵۳ اعتقاد به جبر و تقدیر و آثار اجتماعی آن
۵۵ پیوند انسان‌شناسی تغییر و موضوع جبر و اختیار
۵۸ فطرت و ویژگی‌های آن
۵۹ نقش علم (شناخت) و اختیار فرد در شکوفایی فطرت
۶۲ چیستی جامعه
۶۶ جامعه‌شناسی تغییر و نگاه عاملیت‌ساختار استاد مطهری
۷۰ نقد و بررسی فلسفه تغییر در آرای شهید مطهری
۷۴ بررسی و نقد نظریات در باب تغییر و حرکت در اندیشه استاد مطهری
۷۶ قانونمندی جامعه
۸۰ نقش نیازها در شکل‌گیری تغییرات
۸۲ قانون‌های ثابت و متغیر در زندگی بشر
۸۳ بررسی نظریات تغییر و تحول در جامعه و تاریخ از دیدگاه شهید مطهری
۹۶ نظریه فطرت در تقابل با نظریه ماتریالیسم تاریخی
۱۰۹ نقد نظریه مادیت تاریخی

شش

۱۰۹	۱. بی‌دلیلی.....
۱۱۰	۲. تجدیدنظر پایه‌گذاران.....
۱۱۱	۳. نقض تطابق جبری زیربنا و روبنا.....
۱۱۱	۴. عدم تطابق پایگاه طبقاتی و پایگاه ایدئولوژیکی.....
۱۱۱	۵. استقلال رشد فرهنگی.....
۱۱۳	۶. تناقض درونی در ماتریالیسم تاریخی.....

فصل سوم: عوامل و شرایط مؤثر در تغییرات اجتماعی

۱۱۵	مقدمه.....
۱۱۷	بررسی نقش آموزه قضا و قدر در تغییرات اجتماعی.....
۱۱۹	عوامل تغییرات اجتماعی از منظر قرآن.....
۱۱۹	۱. عدالت‌ورزی و یا ظلم‌پیشگی.....
۱۲۰	۲. اصلاح و یا فساد اخلاق.....
۱۲۱	۳. اتحاد و همبستگی و یا تفرق و تشتت.....
۱۲۲	۴. اجرا و یا ترک امر به معروف و نهی از منکر.....
۱۲۲	بررسی دیگر عوامل تغییر در جامعه از دیدگاه شهید مطهری.....
۱۲۲	الف) نقش تفاوت‌های فرهنگی، تربیتی و محیطی در افراد.....
۱۲۵	ب) نقش فناوری.....
۱۲۳	ج) نقش عوامل استعماری بیگانه.....
۱۲۴	د) وقوع اصلاحات، انقلاب‌ها و کودتاها.....
۱۲۴	ه) نقش وجود نظام‌های اجتماعی اقتصادی و ایدئولوژی.....
۱۲۵	و) نقش مددهای غیبی در تغییرات اجتماعی.....
۱۲۷	اهداف تغییرات اجتماعی.....
۱۲۸	۱. بازگشت به اسلام راستین.....
۱۲۸	۲. اصلاح چشمگیر در شهرها.....
۱۲۸	۳. نجات مظلومان.....
۱۲۹	۴. به پا داشتن قوانین الهی تعطیل شده.....
۱۲۹	نحوه مواجهه با تغییرات اجتماعی از دیدگاه شهید مطهری.....
۱۳۳	مواجهه دین و تغییرات اجتماعی در اندیشه شهید مطهری.....
۱۳۶	اصل اجتهاد دینی ضامن پویایی جامعه.....
۱۳۷	مسیر و جهت حرکت جوامع.....
۱۳۷	الف) فطرت کمال‌جوی انسان.....
۱۳۸	ب) توانایی انسان در انتقال تجربیات به نسل‌های آینده.....
۱۳۸	ج) وجود تفاوت میان انسان‌ها.....
۱۳۹	جهت و مسیر تکامل بشریت.....

هفت

- ۱۴۰عدم تلازم پیشرفت در علم و صنعت با کاهش فساد و تباهی اجتماعی
- ۱۴۱رواج درون‌گرایی و انزواجویی در نتیجه گسترش تخصص‌ها
- ۱۴۳بررسی انواع تعاملات انسانی و رخداد تغییر در آنها

فصل چهارم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

- ۱۶۱منابع

مقدمه

تغییرات اجتماعی و چرایی و چگونگی آن همواره یکی از دغدغه‌های اندیشمندان اجتماعی بوده است. این موضوع امروزه با سرعت تغییراتی که جوامع به خود می‌بینند، بیش از هر زمانی اهمیت یافته است. دستیابی به نظریاتی برای تبیین و تحلیل این تغییرات، یکی از اهداف اساسی اندیشمندان در طول تاریخ بوده و بخش‌های عمده‌ای از تاریخ تفکر اجتماعی به تکاپوی تأمل در موضوع تغییرات اجتماعی و تحلیل مکانیسم وقوع آن اختصاص یافته است. این متفکران هر یک با توجه به مبانی فکری و زمینه اجتماعی و تاریخی خویش درصدد ارائه پاسخی درخور به این مسئله برآمده‌اند و نظریه‌های مختلفی در این باره مطرح کرده‌اند.

بدون شک استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری یکی از اندیشمندان مسلمان شاخص در حیات فرهنگی، علمی، اجتماعی و سیاسی دوران معاصر به شمار می‌رود. او که در دامان عالمانی بزرگ تربیت یافته، با تسلط عمیق بر علوم اسلامی از یک سو و مبانی علوم انسانی غرب از سوی دیگر، و با رصد دقیق واقعیات اجتماعی زمان خویش و بهره‌مندی از هوش و استعداد سرشار خدادادی و نیز پشتکار ستودنی خود، آثار گران‌بهایی در شاخه‌های گوناگون معارف اسلامی از خود به یادگار گذاشته که چراغ راه اندیشه‌ورزان علوم انسانی اسلامی به شمار می‌روند.

شهید مطهری گرچه به معنای مصطلحش جامعه‌شناس نبوده، در بحث و نقد نظری و فلسفه اجتماعی نظریات اجتماعی، به‌عنوان اندیشمند اجتماعی مشارکت فعال داشته و همواره در جایی که نظریات جامعه‌شناختی به‌خصوص در مبانی و پیش‌فرض‌ها از نظر وی مخدوش بوده، وارد شده و به ارائه نظر پرداخته است. پذیرفتن پیدایش تغییر در ساحت وجودی همه موجودات

جهان مبتنی بر نظریه فلسفی حرکت جوهری، که تغییر را خاصیت ذاتی همه اشیا می‌داند، مشخصه تفکر صدرایی استاد مطهری در بررسی موضوع تغییرات صورت گرفته در انسان و محیط پیرامون اوست. شهید مطهری با ملاحظه ظرفیت منابع دینی در ارائه پاسخ به موضوعات مختلف، تلاش کرده دیدگاه خود را در آن موضوعات، با بهره‌گیری از آن ظرفیت، مطرح کند. مرجع قرارگرفتن فرهنگ غربی گستره‌ای از چالش‌های فکری و فرهنگی جدی را به دنبال داشت و گفتمان دوقطبی سنت و مدرنیته یا اسلام و غرب را روزبه‌روز تشدید می‌کرد. این وضعیت غالباً با القای ضرورت نفی سنت به‌عنوان مانع ترقی، توسط روشن‌فکران غرب‌گرا همراه بود. فضایی گفتمانی در حال قوام‌یافتن بود که نه تنها در قابلیت و کارآمدی منابع دینی و نیروهای اجتماعی دین‌مدار برای پاسخ به نیازهای فردی و اجتماعی تشکیک می‌کرد، بلکه اصل حضور دین را نافی و مانع توسعه و ترقی جامعه می‌پنداشت.

شهید مطهری هرچند در میان آثارش اثر مستقلی با موضوع تغییرات اجتماعی ندارد، در کتاب‌های جامعه و تاریخ، فلسفه تاریخ، پاورقی‌های اصول فلسفه و روش رئالیسم، مقالات فلسفی، اسلام و نیازهای زمان و برخی دیگر از نوشته‌های خویش، درباره این موضوع ذیل عناوینی چون تحول و دگرگونی و تغییر به ارائه نظر پرداخته است.

بنابراین در این تحقیق، نخست چستی و چرایی و چگونگی تغییر در سطح اجتماع از دیدگاه شهید مطهری بررسی می‌شود و سپس تفاوت پاسخ‌های ایشان متناسب با مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی و فلسفه اجتماعی مدنظرش، تحلیل می‌شود. پاسخ استاد به شبهاتی که درباره ثبات اصول دینی و اصل تغییر، شکل‌گیری نیازهای جدید بشر و نحوه حضور و کارآمدی دین در طول زمان مطرح می‌شود، از جمله مسائلی است که در این تحقیق بررسی خواهد شد.

کتاب مشتمل بر چهار فصل است. در فصل اول پس از طرح کلیاتی از مبحث تغییرات اجتماعی به زمینه‌های فکری، اجتماعی و شخصیتی استاد مطهری اشاره شده و ضمن بیان ضرورت بررسی اندیشه‌های اجتماعی، به جایگاه استاد مطهری در میان اندیشمندان مسلمان معاصر پرداخته شده است.

در فصل دوم، مبانی تحقیق در ابعاد هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی مطرح شده و با طرح مبانی شناخت جامعه و نیز مبانی تغییرات اجتماعی از منظر

استاد مطهری، ماهیت تغییر بررسی شده است. به سبب اهمیت بحث از تغییرات اجتماعی، دیدگاه‌های مختلف اندیشمندان اجتماعی در این باره بیان شده است تا نقطه کانونی دیدگاه استاد مطهری در این خصوص، بهتر نمایان شود.

در فصل سوم به عوامل مؤثر در تغییرات اجتماعی، اهداف تغییرات و نحوه مواجهه دین با مقوله تغییرات از دیدگاه شهید مطهری و دیگر مطالب مرتبط پرداخته شده است.

در فصل چهارم کتاب، جمع‌بندی‌ای از مجموع گفته‌های استاد مطهری درباره تغییرات اجتماعی ارائه شده است. ایشان مهم‌ترین علت تغییرات در جامعه و تاریخ را، کنش انسانی بر مبنای فطرت و در چارچوب حرکت عمومی جهان معرفی می‌کند. شهید مطهری عوامل تغییر در جامعه را به عوامل صرفاً مادی و پدیده‌های اجتماعی عینی تقلیل نداده و علاوه بر عوامل مزبور، نقش عواملی همچون امدادهای غیبی و فساد درونی افراد در جلب و سلب نعمت‌های مادی و معنوی را نیز مد نظر قرار می‌دهد ایشان در پاسخ به چگونگی مواجهه با مسئله تغییرات اجتماعی، همه تغییرات را جلوبرنده و باعث پیشرفت نمی‌داند و شرط پیروی از این تغییرات را هم‌راستایی آن با رشد و کمال انسانی و انطباق با عقلانیت قلمداد می‌کند. ایشان در باب چگونگی مواجهه دین اسلام با تغییرات اجتماعی، به نقش اجتهاد در پاسخ به مسائل نو در جامعه نظر دارد و وجود قواعد فقهی مانند قاعده ملازمه، ولایت حاکم اسلامی، مسئله اهم و مهم و علم به فلسفه احکام دینی را ضامن بقای دین در برابر تغییرات نامطلوب می‌داند.

همچنین در پاسخ به چگونگی وقوع تغییرات اجتماعی، با نقد فلسفه تغییر در آرای هگل، بر اساس نظریه اصالت وجود و به خصوص نظریه حرکت جوهری، منشأ بودن تضاد درونی اشیا را در ایجاد تغییرات و در نتیجه خودسامانی طبیعت در حرکت و بی‌نیازی از علت ماورایی، رد کرده و حرکت در جهان را نیازمند به علتی قیومی به غیر از علل مادی معرفی می‌کند. ایشان در تبیین مناسبات بین فرد و جامعه با نگاهی مبتنی بر عاملیت-ساختار، ضمن تقدم روان‌شناسی فرد به جامعه‌شناسی آن، نظریات اصالت اجتماعی و اصالت فردی را رد کرده و علی‌رغم اعتقاد به روح جمعی شکل‌گرفته از این ترکیب که مستقل از اراده افراد است، برای افراد نیز در برابر این روح جمعی اختیار و استقلال در عمل قائل است.

در پایان لازم است به روند شکل‌گیری این اثر پژوهشی اشاره‌ای شود. طرحی در گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با عنوان «اندیشه اجتماعی در آثار شهید مطهری» به

تصویب رسید که پس از مطالعه و فیش برداری از کل آثار ایشان در طی سالیان متمادی، مطالب بسیاری در موضوعات مختلف استخراج شد؛ به گونه‌ای که انتشار آنها ذیل عنوان کلی مزبور، به واسطه حجم زیادش مطلوب نبود. از این رو تصمیم بر آن شد که مطالب ذیل عناوین جزئی‌تری مستقلاً تدوین و منتشر شوند. تغییرات اجتماعی از منظر شهید مطهری یکی از آن عناوین است.

این اثر با هم‌فکری و یاری بزرگوارانی انجام یافته است که سپاسگزار یکایک ایشانم. پیش از همه، از ناظر محترم طرح، جناب استاد دکتر غلامرضا صدیق اورعی، سپاسگزارم که از دوران مطالعه آثار شهید مطهری و استخراج گزاره‌های مرتبط با مباحث اجتماعی، با ارائه نکات ارزشمند خود، یاریگرم بودند. از دوست گرانقدرم جناب آقای دکتر حمید دهقانیان قدردانی ویژه می‌کنم که زحمت نمونه‌خوانی را متقبل شدند و با ارائه نکات ارزشمندشان بر غنای محتوا افزودند.

همچنین لازم است از ارزیاب محترم طرح، آقای دکتر کریم خان محمدی، تشکر کنم که از طرف بنیاد علمی فرهنگی شهید علامه مرتضی مطهری زحمت ارزیابی طرح را تقبل کردند و با مطالعه متن و ارائه نکات ارزشمند، در اصلاح و تکمیل کار مؤثر بودند.

در پایان، تشکر قلبی‌ام را محضر مسئولان و دست‌اندرکاران محترم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و نیز مسئولان محترم بنیاد علمی فرهنگی استاد مطهری تقدیم می‌کنم که با حمایت و همراهی خود انجام یافتن این پژوهش را میسر ساختند.

فصل اول

کلیات

زندگی

استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری در ۱۳ بهمن ۱۲۹۸ شمسی برابر با ۱۳۳۸ هجری و ۱۹۲۰ میلادی در روستای فریمان، از توابع مشهد، و در خانواده‌ای روحانی متولد شد. او پس از فراگیری دروس ابتدایی، در سن دوازده سالگی به حوزه علمیه مشهد عزیمت کرد و به تحصیل مقدمات علوم اسلامی پرداخت. در سال ۱۳۱۵ با وجود مبارزه رژیم شاهنشاهی با روحانیت و حاکمیت فضای اختناق و استبداد علیه روحانیت و علی‌رغم مخالفت دوستان و نزدیکان، برای ادامه تحصیل عازم حوزه علمیه قم شد.

ایشان در دوره اقامت پانزده ساله خود در قم، برای فراگیری فقه و اصول، فلسفه، عرفان و اخلاق از محضر آیت الله بروجردی، امام خمینی، علامه طباطبایی و حاج میرزا علی آقا شیرازی بهره برد. استاد در مدت اقامت خود در قم علاوه بر تحصیل علم، در امور اجتماعی و سیاسی نیز مشارکت داشت و از جمله با فدائیان اسلام مرتبط بود.

شهید مطهری در سال ۱۳۳۱ به تهران مهاجرت کرد. در تهران بر دامنه فعالیت‌هایش، به‌خصوص در زمینه فرهنگی، افزود. علاوه بر تدریس در دانشگاه تهران و مدرسه مروی، با برخی نشریات مانند مکتب تشیع و مکتب اسلام نیز همکاری کرد. پس از تأسیس مکتب تشیع در سال ۱۳۳۶، به عوامل آن کمک‌های فکری می‌داد و برخی مقالات خود را نیز در آن نشریه منتشر می‌ساخت. از سال ۱۳۳۷ که مجله مکتب اسلام شکل گرفت، همکاری ایشان با هیئت تحریریه آن آغاز شد. برخی آثار ایشان مانند سیری در نهج البلاغه، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، ابتدا در آن مجله به صورت سلسله مقالات منتشر شد.

در سال ۱۳۳۴ اولین جلسه تفسیر انجمن اسلامی دانشجویان را تشکیل داد. در همان سال، تدریس خود در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران را آغاز کرد. در سال‌های ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ که انجمن اسلامی پزشکان تشکیل شد، ایشان از سخنرانان اصلی این انجمن بود و در طول سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ تنها سخنران آن انجمن محسوب می‌شد. از این دوره مباحث مهمی به یادگار مانده است. توحید، نبوت، معاد، حجاب، بردگی از نظر اسلام، ربا، بانک و بیمه، نمونه‌هایی از درس و بحث‌های مطهری در این انجمن بوده است. به نظر برخی از اندیشمندانی که درباره شهید مطهری و افکارش به مطالعه و تدوین کتاب پرداخته‌اند، «مهاجرت استاد مطهری از قم به تهران و ارتباط ایشان با گروه‌های متفاوت فکری را در محیط دانشگاه و سایر محافل علمی باید یکی از نقاط عطف دوران زندگی ایشان یاد کرد؛ به گونه‌ای که شاید بتوان آن را زمینه‌ساز تفاوت کارهای ایشان با سایر علمای اسلامی به حساب آورد؛ زیرا به‌طور طبیعی شرایط محیطی جدید، اعم از فرهنگی و اجتماعی، امکانات متفاوتی جهت تحقیق و بررسی برای او فراهم نمود و زمینه‌ساز طرح سؤالاتی متفاوت گردید» (آزاد ارمکی، ۱۳۹۲: ۴۴۴).

وی در سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ به اتفاق آیت‌الله طالقانی و مهندس بازرگان و مباشرت انجمن اسلامی مهندسین، کنگره‌ای از انجمن‌های اسلامی ایران را در تهران تشکیل داد. در نهضت اسلامی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، به دنبال سخنرانی تندی که در همان شب ایراد کرد، دستگیر و روانه زندان شد.

پس از تبعید امام خمینی به خارج از کشور، مسئولیت استاد و یارانش سنگین‌تر شد. در این دوره ایشان به تألیف کتاب درباره موضوعات موردنیاز جامعه و ایراد سخنرانی ادامه داد. به‌طور کلی ایشان که به نهضت اسلامی معتقد بود و نه به هر نهضتی، برای اسلامی کردن محتوای نهضت، تلاش‌های ایدئولوژیک بسیاری کرد و با کج‌روی‌ها و انحرافات مبارزه‌ای سرسختانه در پیش گرفت.

مهم‌ترین خدمت استاد مطهری در طول حیات پربركتش ارائه ایدئولوژی اصیل اسلامی از طریق درس و سخنرانی و تألیف کتاب بود. این کار خصوصاً در سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷ به سبب افزایش تبلیغات گروه‌های چپ و پدید آمدن گروه‌های مسلمان چپ‌زده و ظهور پدیده التقاط به اوج خود رسید. پس از امام خمینی، استاد مطهری اولین شخصیتی است که به خطر سران سازمان موسوم به «مجاهدین خلق ایران» پی برد و دیگران را از همکاری با این سازمان التقاطی باز می‌داشت.

در دوران اقامت امام خمینی در پاریس، طی سفری به آنجا و دیدار با امام، در خصوص مسائل مهم انقلاب با ایشان گفت‌وگو کرد. در همین سفر، امام خمینی مسئولیت تشکیل شورای انقلاب اسلامی را به ایشان واگذار کرد. هنگام بازگشت امام خمینی به ایران مسئولیت کمیته استقبال از امام را شخصاً به عهده گرفت و از آن پس، همواره برای امام خمینی مشاوری دل‌سوز و معتمد بود، تا اینکه در ساعت بیست‌ودو و بیست دقیقه سه‌شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ در تاریکی شب، هنگام بازگشت از یکی از جلسات فکری سیاسی، با گلوله گروه نادان و جنایتکار فرقان به شهادت رسید و امام و امت اسلام در حالی که امیدها به آن بزرگمرد بسته بودند در ماتمی عظیم فرو رفتند (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱: ۹-۱۲).

امام خمینی درباره ایشان می‌فرماید: «او با قلمی روان و فکری توانا در تحلیل مسائل اسلامی و توضیح حقایق فلسفی با زبان مردم و بی‌قلق و اضطراب به تعلیم و تربیت جامعه پرداخت. آثار قلم و زبان او بی‌استثنا آموزنده و روان‌بخش است و مواعظ و نصایح او که از قلبی سرشار از ایمان و عقیدت نشئت می‌گرفت، برای عارف و عامی سودمند و فرحزاست» (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱: ۹). همچنین علامه طباطبایی، استاد گران‌قدر شهید مطهری، در پیامی به مناسبت شهادت ایشان می‌نویسد: «... مطهری که دانشمندی بود متفکر و محقق، دارای هوشی سرشار و فکری روشن و ذهنی واقع‌بین، تألیفاتی که از خود به یادگار گذاشته و تحقیقاتی که در اطراف مقاصد علمی و برهانی نگاشته و در لابه‌لای کتاب‌هایش به چشم می‌خورد، اعجاب‌آور است» (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۱). ارائه اسلام به عنوان مکتبی جامع با توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای زمانه و ضرورت بازگشت به مبانی اسلامی، به خصوص در شئون اجتماعی، مسئله‌ای بود که پیش از ایشان نیز به‌همت جریان بیداری اسلامی، اعم از علما و روشن‌فکران دینی، چه در جهان اسلام و چه جامعه ایران مطرح شده بود؛ اما سهم استاد مطهری در پرداختن به آن به واسطه عمق اندیشه و تنوع فعالیت‌های فرهنگی سیاسی‌اش بی‌نظیر بود. او در موضوع بازشناسی اسلام، از همه کسانی که در این شیوه اندیشه روشن‌فکرانه اسلامی زحمتی کشیدند و خدمتی کردند، عالم‌تر و فاضل‌تر و عمیق‌تر بود. علاوه بر این بسیار پرکار بود؛ بی‌آنکه منتظر فرصت بنشیند، پیوسته مشغول کار بود. هم می‌نوشت و هم سخنرانی می‌کرد و هر دوی اینها درس بود (نک: واثقی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۲۸۸-۲۸۹).

آثار

از شهید مطهری کتاب‌های فراوانی به چاپ رسیده که دست‌نوشته یا صوت سخنرانی ایشان بوده است. انتشارات صدرا با نظارت «شورای نظارت بر آثار شهید مطهری» مجموعه آثار ایشان را تاکنون به صورت دسته‌بندی شده در ۳۳ جلد با این عناوین به بازار عرضه کرده است: اصول عقاید (جلد ۱ تا ۴)، فلسفه (جلد ۵ تا ۱۳)، تاریخ (جلد ۱۴ و ۱۵)، سیره حضرت معصومین علیهم‌السلام (جلد ۱۶ تا ۱۸)، فقه و حقوق (جلد ۱۹ تا ۲۱)، اخلاق و عرفان (جلد ۲۲ و ۲۳)، اجتماعی و سیاسی (جلد ۲۴ و ۲۵)، تفسیر (جلد ۲۶ تا ۲۸) و بخش متفرقه (جلد ۲۹ تا ۳۳). دغدغه خاطر استاد مطهری در آثار کلامی و اجتماعی و به خصوص در مباحث مربوط به مسائل روز جامعه ایران و به‌ویژه روشن‌فکران، مبارزه بی‌امان با خط انحراف و التقاط و تلاش فراوان برای شناساندن دیدگاه‌های ناب دینی برگرفته از تعالیم اصیل اسلامی بوده است. بی‌تردید می‌توان یکی از علل اساسی شهادت ایشان را معرفی اندیشه‌های التقاطی حتی در لفافه واژگان دینی، و مبارزه جدی با انحراف از تعالیم دینی، و نیز مقابله با ترویج اندیشه‌های ماتریالیستی برشمرد. این اندیشه‌ها در قالب تفسیرهای مادی از محتوای آیات و روایات با پوشش ظاهری مذهبی ارائه می‌شد که ایشان از آن به «ماتریالیسم منافق» تعبیر می‌کرد. خلاصه اینکه می‌توان شهید مطهری را یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان، متکلمان، مفسران و اندیشمندان اجتماعی دوران معاصر دانست که با گذشت بیش از ۴۳ سال از شهادتش و بلکه با گذشت بیش از شصت سال از انتشار برخی از آثار و سخنانش، تازگی و طراوت مطالب آنها همچنان محفوظ مانده است. این حاکی از محدود نبودن افکار آن شهید بزرگ به زمانه خود و جامع‌نگری ایشان در نحوه پرداختن به مسائل است که ناشی از فهم عمیق و دید وسیع ایشان درباره مسائل اجتماعی و علمی بوده است. امام خمینی در خصوص اهمیت و قوت علمی آثار ایشان و ضرورت بهره‌گیری جامعه علمی از این آثار، در پیامی به مناسبت اولین سالگرد شهادت ایشان، اظهار کرده است: «مطهری فرزندی عزیز برای من و پشتوانه‌ای محکم برای حوزه‌های دینی و علمی و خدمتگزاری سودمند برای ملت و کشور بود. اکنون شنیده می‌شود که مخالفین اسلام و گروه‌های ضدانقلاب در صدد هستند که با تبلیغات اسلام‌شکن خود، دست جوانان عزیز دانشگاهی ما را از استفاده از کتب این استاد فقید کوتاه کنند. من به دانشجویان و طبقه روشن‌فکران متعهد توصیه می‌کنم که کتب‌های این استاد عزیز را نگذارند با دسیسه‌های غیراسلامی فراموش شود» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۱۸۷-۱۸۸).

نکته شایان توجه اینکه بسیاری از کتاب‌های منسوب به استاد مطهری متن سخنرانی‌های ایشان در مناسبت‌ها و به‌حسب نیازهای خاص سیاسی و اجتماعی روز جامعه بوده که مکتوب شده و با اصلاحاتی به چاپ سپرده شده است. از آنجا که این کتاب‌ها از تنوع در طرح مسائل اجتماعی نیز برخوردار است، تنظیم اندیشه‌های اجتماعی ایشان در حوزه‌های مختلف مستلزم احاطه و اشراف کامل بر مطالب ایشان در آثار مختلف اوست.

زمینه‌های فکری و اجتماعی

روشن است که نگرش هر اندیشمندی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و دیگر ابعاد، برخاسته از زمینه‌هایی است که تفکر وی را شکل داده و پرورانده است؛ به‌گونه‌ای که نحوه اندیشیدن و استدلال‌های علمی و در نتیجه چگونگی کنش‌های او بر همان زمینه‌ها استوار است. زمینه‌هایی که افکار و شخصیت علمی شهید مطهری بر اساس آنها شکل گرفته علاوه بر فراگیری علوم دینی و نیز کسب مراتب علمی در حوزه‌های مختلف فلسفی، فقهی، تفسیری و مباحث اجتماعی، شاگردی در محضر فرزانه‌گانی همانند علامه طباطبایی و امام خمینی بوده است. استعداد و نبوغ ذاتی ایشان نیز مؤثر بوده است. البته دغدغه‌مندی ایشان در عطف توجه به مسائل اجتماعی جامعه و رصد افکار و ایده‌های مطرح‌شده در آن زمان، تمرکز استاد مطهری را از میان عمده دانش‌ها به سمت مباحث اجتماعی سوق داده است. ایشان در مقدمه کتاب *علل گرایش به مادیگری تحت عنوان «ماتریالیسم در ایران»* می‌نویسد: «تا آنجا که من از تحولات روحی خودم به یاد دارم از سن سیزده‌سالگی این دغدغه در من پیدا شد و حساسیت عجیبی نسبت به مسائل مربوط به خدا پیدا کرده بودم. پرسش‌ها، البته متناسب با سطح فکری آن دوره، یکی پس از دیگری بر اندیشه‌ام هجوم می‌آورد» (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱: ۴۴۰). این جملات نشان‌دهنده توجه جدی ایشان به ریشه‌یابی و دغدغه‌مندی برای حل مسائل اجتماعی روز است. چه بسا بتوان شکل‌گیری اندیشه‌های اجتماعی و حتی فلسفی را با مشکلات و مسائل اجتماعی، به‌خصوص با بحران‌ها و انقلاب‌های اجتماعی سیاسی، مرتبط دانست. مسائل اجتماعی اگرچه زمینه مهمی برای شکل‌گیری اندیشه‌هاست، به‌طور تام و تمام نمی‌تواند نحوه شکل‌گیری و بروز اندیشه‌ها را بازگو کند؛ از این‌رو باید مجموعه‌ای از شرایط زندگی، وضعیت اجتماعی سیاسی دوران زیست متفکر و نیز پیشینه فکری، علمی، فلسفی و ایدئولوژیک او را در کنار مشکلات

اجتماعی جامعه دوران وی تحلیل کرد (نک: آزاد ارمکی، ۱۳۹۲: ۴۴۳). در این زمینه استاد مطهری تصریح می‌کند: «در نیم قرن اخیر جریان‌هایی رخ داده که بر ضد اهداف عالیة اسلامی و در جهت مخالف آرمان‌های مصلحان صد ساله اخیر بوده و هست و طبعاً نمی‌توانست برای همیشه از طرف جامعه ما بدون عکس‌العمل بماند. آنچه در این نیم قرن در جامعه اسلامی ایران رخ داد عبارت است از:

۱. استبدادی خشن و وحشی و سلب هر نوع آزادی؛
۲. نفوذ استعمار نو، یعنی شکل نامرئی و خطرناک استعمار، چه از جنبه سیاسی و چه از جنبه اقتصادی و چه از جنبه فرهنگی؛
۳. دور نگه داشتن دین از سیاست، بلکه بیرون کردن دین از میدان سیاست؛
۴. کوشش برای بازگرداندن ایران به جاهلیت قبل از اسلام و احیای شعارهای مجوسی و میراندن شعارهای اصیل اسلامی (تغییر تاریخ هجری محمدی به تاریخ مجوسی یک نمونه آن است)؛
۵. قلب و تحریف در میراث گران‌قدر فرهنگ اسلامی و صادرکردن شناسنامه جعلی برای این فرهنگ به نام فرهنگ موهوم ایرانی؛
۶. تبلیغ و اشاعه مارکسیسم دولتی، یعنی جنبه‌های الحادی مارکسیسم منهای جنبه‌های سیاسی و اجتماعی آن» (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۴: ۶۹).

ویژگی‌های فکری و شخصیتی استاد

شاخص‌های زیر را می‌توان از ویژگی‌های فکری و شخصیتی استاد مطهری برشمرد:

۱. ژرفانگری

ایشان در مواجهه با مسائل علمی و اجتماعی می‌کوشید آن‌ها را ریشه‌یابی و جوانب مسئله را بررسی کند و در این راه از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزید؛ چه در زمینه مسائل تاریخی و چه در طرح اندیشه مخالفان و دعوت از آنان برای تبادل افکار و مباحث علمی مربوط به شبهات مطرح در افکار عمومی و فضای نخبگانی. تبارشناسی نظری و تاریخی مسئله به صورت توأمان و نقد اندیشه از سرچشمه پیدایش و بررسی جامع اقوال و نظریات شکل گرفته حول موضوع مورد بحث از جمله ویژگی‌های طرح بحث ایشان است که تصویری جامع از موضوع در اختیار

مخاطب می‌گذارد. به‌طور کلی استاد در بررسی موضوع، بر تدقیق معنا و عبور از لایه‌های سطحی و نشان‌دادن زوایای پنهان و عمیق مسئله مدنظر تمرکز داشته که عمدتاً معرفت‌شناختی یا روش‌شناختی بوده است. برای مثال، برگرداندن پیامدهای مادی تحلیل مارکسیستی از تغییرات اجتماعی به روش دیالکتیکی هگلی نکته دقیق است که کمتر محققانی بدان پرداخته است. اغلب محققان نگرش مادی مارکسی را بیشتر منتسب به افکار فوئرباخ می‌دانند. در مسائل تاریخی نیز بررسی سیر استنادی و جست‌وجو در منابع تاریخی برای کشف نقل صحیح، نیز مقایسه نقل‌های تاریخی به‌همراه تحلیل‌های نظری از جمله کوشش‌های وی در ارائه نقل و برداشت صحیح تاریخی است. شواهدی گویا بر اندیشه ژرفانگر و محققانه او وجود دارد که به دو نمونه از آنها اشاره می‌کنیم: ۱. بررسی مسئله تاریخی کتاب‌سوزی ایران و مصر و پاسخ مستند و مبسوط به تحریفات صورت‌گرفته در این زمینه؛ ۲. تبیین علمی و مستند خدمات متقابل اسلام و ایران و خنثی کردن نقشه‌های رژیم شاهنشاهی برای اسلام‌زدایی از ایران و بازگرداندن آن به دوران قبل از اسلام و ترویج ناسیونالیسم ایرانی.

ویژگی شهید مطهری تحریر و تحلیل علمی و دقیق مسائل بود؛ یعنی اگر می‌خواست مطلبی را بررسی کند و اثری را به منشأ آن استناد دهد، تمام جوانب را تحلیل‌گرانه بررسی می‌کرد، آنگاه با نفی و اثبات ثابت می‌کرد که فلان اثر مربوط به فلان عامل نیست، بلکه مربوط به عامل دیگر است. شهید مطهری در تحلیل، بسیار ماهر و توانا بود؛ یعنی می‌شکافت، گره‌های کوری را نشان می‌داد که دیگران نمی‌دیدند، آن‌گره را باز می‌کرد و از نو می‌بافت. منشأ این توان از منظر قرآن کریم، شرح صدر است. انسانی که شرح صدر داشته باشد چشم و دلی بینا دارد و اگر چشم و دل بینا باشد، نقطه کوری نمی‌ماند (وائقی، ۱۳۹۱، ج ۲: ۹۵-۹۶).

۲. برخورد منصفانه و پرهیز از تعصب در بحث‌های علمی

استاد مطهری در بررسی موضوعات گوناگون، حتی مسائل دینی و اعتقادی، از قضاوت‌های ارزشی و متعصبانه خودداری می‌ورزید و با اینکه شاهد خطا و لغزش دیگران در طرح مسائل بود، همواره می‌کوشید از جاده انصاف خارج نشود و در مواجهه با مسائل و دیدگاه‌های افراد، از پیش‌داوری بر مبنای ذهنیت صرف پرهیزد. این شیوه برخورد را در بحث با کسانی می‌توان ملاحظه کرد که قصد داشتند ماتریالیسم را در ایران با ارائه تفسیری التقاطی از آموزه‌های قرآنی

جا بیندازند، همچنین با کسانی که به تحریف شخصیت حافظ می‌پرداختند تا وی را ماتریالیست یا ملحد جلوه دهند. به بیان دیگر، ایشان با اینکه از انحراف در بعضی نوشته‌های به اصطلاح تفسیری و نیز توطئه استفاده از مذهب علیه مذهب مطمئن بود، صاحب نظران و دانشمندان را به ملاحظه دقیق دیدگاه‌های خود دعوت می‌کرد و از آنان می‌خواست که در صورت مشاهده اشتباه از وی، آن را گوشزد کنند. او می‌گفت: «من خدا را گواه می‌گیرم که حاضرماً صریحاً به اشتباه خودم اعتراف کنم» (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱: ۴۵۹-۴۶۰). این رویه از دقت نظر استاد و مهم‌تر از آن آزاداندیشی او در مباحثات علمی حکایت می‌کند. احترام به فهم خواننده در ارائه نظریات مخالف، اتخاذ رویکردی اثباتی و استدلالی، رعایت متانت و احترام و رعایت چارچوب صرفاً علمی در نقد افراد، ذکر نکات مثبت و قوت‌های دستاوردهای علمی صاحب نظران، همچون نظریه ناخودآگاه فروید، نمودهایی از این ویژگی فکری استاد مطهری است.

۳. جامع‌نگری

بررسی هر مسئله‌ای به صورت مجموعه‌ای و نه به صورت جزئی و خاص از دیگر خصوصیات علمی استاد مطهری است. از همین منظر است که می‌توان اندیشه‌های ایشان را در تبیین پدیده‌های اجتماعی دارای اهمیت خاص دانست. وی تا زمانی که بر ابعاد مسئله احاطه پیدا نمی‌کرد، از اظهار نظر درباره آن دوری می‌جست. برای نمونه، ایشان درباره فیلم محلل و تصویرسازی نادرست از واقعیات احکام اسلام در آن، چنین می‌نویسد: «من نمی‌خواستم در این باره چیزی بنویسم. عذرم این بود که نقد یک فیلم کار من نیست. اگر در این زمینه چیزی به صورت کتاب یا مقاله‌ای منتشر شده بود، اظهار نظر من صحیح بود، نه چیزی که به صورت فیلم ارائه شده و اطلاعات من درباره آن منحصر است به یک سلسله مسموعات. کسانی که فیلم را دیده بودند، بعضی به طور خلاصه و بعضی به طور تفصیل، متن فیلم را در اختیار من قرار دادند و عذر مرا قطع کردند و به هر حال پای مطلبی در میان است که در نص قرآن بدان تصریح شده است. من پیاده آن فیلم را بر روی کاغذ خواندم. دیدم سراسر قلب و مسخ و تحریف است؛ چه از نظر قانون محلل و چه از نظر واقعیاتی که در جامعه ما در گذشته و حال جریان داشته و دارد...» (مطهری، ۱۳۹۴، ج ۳۰: ۵۲).

با دقت در این عبارت‌ها، روشن می‌شود یکی از ویژگی‌های علمی استاد این بوده که تا به صورت دقیق و کامل از مسئله‌ای اطلاع نمی‌یافته، اظهار نظری درباره آن نمی‌کرده است.

۴. نوآوری و ابتکار در ارائه نقد و نظر

استاد مطهری به‌پشتوانه تسلط فقهی و فلسفی اش، در مواجهه با مسائل مطرح‌شده رویکردی اجتهادی اتخاذ می‌کرد و در نقد آرای بزرگان اندیشه، تحت‌تأثیر نام آنها قرار نمی‌گرفت. نقد آرای فیلسوفان، متکلمان، مورخان و ارائه نظر خویش با رویکردی اثباتی و ویژگی بارز ایشان بوده است.^۱ هنر شهید مطهری تنها آموختن فلسفه ملاصدرا در محضر استادان بنام و مطالعه عمیق فلسفه غرب نبود، بلکه در حوزه فلسفه صاحب‌نظر بود. ایشان می‌توانست بین آنچه از غرب به شرق آمده و آنچه در خود شرق ذخیره است، داوری کند و در پرتو آن تحلیل عمیق، اوج فلسفه شرق و حضیض فلسفه غرب را بررسی و به‌درستی تحلیل کند (واثقی، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۰۰). استقبال نخبگان حوزه و دانشگاه از نظریات و آثار ایشان، در دوران حیات و پس از شهادتشان، مبین این ویژگی فکری استاد است.

۵. مسئله‌محوری

از دیگر ویژگی‌های فعالیت علمی استاد مطهری، در موقعیت هجمه‌گفتمان‌های رقیب معاصر بر دین و دینداری، پاسخ مستدل به مسائل فکری و فرهنگی روز جامعه با تکیه بر منابع اسلامی بود. عناوین کتاب‌های استاد مطهری نشان‌دهنده طیف متنوعی از موضوعات مطرح‌شده است که به‌گفته خود ایشان ناظر به نیاز روز جامعه بوده و در آنها کوشیده است از کارآمدی میراث اصیل اسلامی در پاسخ به شبهات و مسائل فرد و جامعه، با رویکرد اجتهاد پویای فقهی و فلسفی دفاع کند. طرح مباحثی از قبیل نقد و پاسخ شبهات در بعد فلسفی و اجتماعی به دین، طرح مباحث حقوقی درباره زنان یا مباحث اقتصاد اسلامی در موضوعاتی مانند بانک و بیمه از جمله شواهد این مدعاست. با توجه به این واقعیت که وضعیت اجتماعی در جنبه‌های مختلف دستخوش تغییر و تحول می‌شود و طبیعی است که این تغییرات زمینه‌ساز ایجاد مسائل گوناگونی در اندیشه و رفتار آحاد جامعه خواهد بود، شهید مطهری با صراحت، وظیفه خود را اقدام برای حل این مسائل بیان می‌کند: «این بنده از حدود بیست سال پیش که قلم به دست گرفته مقاله یا کتاب نوشته‌ام، تنها چیزی که در همه نوشته‌هایم آن را هدف قرار داده‌ام حل

۱. نمونه بارز این ویژگی نقد اندیشه استاد خویش، علامه طباطبایی، در موضوع فطری بودن بعد اجتماعی انسان، همچنین نقد نظریه اعتباریات اجتماعی ایشان است.

مشکلات و پاسخ‌گویی به سؤالاتی است که در زمینه مسائل اسلامی در عصر ما مطرح است. نوشته‌های این بنده، برخی فلسفی، برخی اجتماعی، برخی اخلاقی، برخی فقهی و برخی تاریخی است. با اینکه موضوعات این نوشته‌ها کاملاً با یکدیگر مغایر است، هدف کلی از همه اینها یک چیز بوده و بس. دین مقدس اسلام یک دین ناشناخته است. حقایق این دین تدریجاً در نظر مردم، واژگونه شده است و علت اساسی گریز گروهی از مردم، تعلیمات غلطی است که به این نام داده می‌شود. این دین مقدس در حال حاضر بیش از هرچیز دیگر، از ناحیه برخی از کسانی که مدعی حمایت از آن هستند ضربه و صدمه می‌بیند. هجوم استعمار غربی با عوامل مرئی و نامرئی‌اش از یک طرف، و قصور یا تقصیر بسیاری از مدعیان حمایت از اسلام در این عصر از طرف دیگر، سبب شده که اندیشه‌های اسلامی در زمینه‌های مختلف، از اصول گرفته تا فروع، مورد هجوم و حمله قرار گیرد. بدین سبب این بنده وظیفه خود دیده است که در حدود توانایی در این میدان انجام وظیفه نماید» (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۸).

شهید مطهری به عرصه ذهنیت جامعه نظر دوخت و عمده‌ترین سؤالات جامعه جوان و تحصیل کرده و روشنفکر کشور را بیرون کشید و پاسخ آنها را با تفکر اسلامی و فلسفه اسلامی و منطق قرآنی، در سطوح مختلف در مقابل افراد گذاشت؛ از مسئله عدل الهی و قضا و قدر و علل گرایش به مادیگری تا مسائل مربوط به زنان و خدمات متقابل اسلام و ایران. او نمونه یک شخصیت روحانی متناسب با زمان بود (پیرهادی، ۱۳۸۵: ۷۲-۷۳).

۶. داشتن رویکرد اصلاحی در انحرافات فکری و فرهنگی جامعه

یکی از ویژگی‌های بارز و ستودنی تفکر استاد مطهری شجاعت در اصلاح انحرافات فکری و مبارزه با بدعت‌های دینی است. نقد تاریخی حماسه کربلا و نقدهای ایشان در زمینه وحدت اسلامی، آزادی و حقوق زنان، مشکلات سازمان روحانیت و ده‌ها موضوع دیگر از جمله دستاوردهای اصلاحی ایشان در دوران معاصر است.

جایگاه استاد مطهری در میان اندیشمندان مسلمان معاصر

شهید مطهری را باید فیلسوف و اندیشمندی اجتماعی دانست که با مسائل و نیازهای جامعه خود آشنا بوده است؛ چنان‌که به تصریح خود ایشان از وقتی که قلم به دست گرفته، مقاله یا

کتاب نوشته، تنها چیزی که در همه نوشته‌ها هدفش قرار داده، حل مشکلات و پاسخ‌گویی به سؤالات در زمینه مسائل اسلامی مطرح در عصر ایشان بوده است. چنین خصلتی است که جایگاه ایشان را در میان اندیشمندان معاصر خود ممتاز می‌سازد. با توجه به این ویژگی می‌توان اذعان داشت که استاد نمی‌توانسته به تغییر و تحولات اجتماعی به‌عنوان یکی از مسائل مهم اجتماعی دوران خود بی‌توجه باشد. چه بسا بتوان افراد متفکری را نشان داد که دغدغه فکری آنان معطوف به بخش خاصی از مسائل روز شده است و فقط در همان زمینه به تلاش پرداخته‌اند؛ ولی در میان آنان این استاد مطهری است که تلاش علمی خود را در حوزه‌های مختلف به کار گرفته است. اما مهم‌تر از این خصلت، تلاش وی در حل مسائل اجتماعی و فکری بر مبنای آموزه‌های دین و تطبیق بسیاری از یافته‌ها با قواعد و چارچوب‌های دینی، برجستگی بیشتری به انطباق یافته‌های ایشان با اوضاع اجتماعی و فرهنگی و تطابق آن برداشت‌ها، با مقتضیات زمان از سویی و صحت تطابق‌ها با روح تعلیمات دینی از سوی دیگر، می‌بخشد. او با درک مقتضیات و ضرورت‌های زمانه و نیز شناختی درست از مسائل جامعه، فعالیت مثمرتری داشته است؛ به‌گونه‌ای که در رخدادهای عظیم اجتماعی دوران خود، یعنی انقلاب اسلامی، نقش سترگ و بی‌بدیل وی برای همگان و از جمله رهبر فقید انقلاب و بسیاری از بزرگان و تأثیرگذاران انقلاب مورد تأکید و تصریح بوده است. گو اینکه از شهادت استاد مطهری بیش از چهار دهه می‌گذرد، ولی به واقع می‌توان اذعان داشت که ایده‌های آن اندیشمند، به دلیل استناد به مبانی اصولی و بنیادی، از استحکامی قوی برخوردار بوده و قابلیت بهره‌گیری از آن ایده‌ها را علی‌رغم گذشت زمان همچنان مهیا ساخته است. اینکه حضرت امام خمینی آثار ایشان را «بی‌استثنا خوب»، توصیف کرده و از همگان درخواست می‌کنند که «نگذاریم دسیسه‌های غیراسلامی، آثار او را به دست فراموشی بسپارد»، نمی‌تواند ناشی از ابراز علاقه شخصی و برخاسته از احساسات ایشان باشد، بلکه نشان از پختگی و انطباق افکار و ایده‌های استاد با مبانی اصیل اسلام دارد. همچنین وقتی ملاحظه می‌شود که رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با گذشت چندین دهه از پیروزی انقلاب، افکار استاد مطهری را مبنای فکری و راهبردی نظام اسلامی می‌داند، حاکی از ابتدای افکار و اندیشه‌های شهید مطهری بر مبنای متقن و خلل‌ناپذیر و جاودانه اسلام است.

ضرورت بررسی اندیشه‌های اجتماعی استاد مطهری

استخراج و معرفی اندیشه‌های متفکران مسلمان یکی از کارهای مهمی است که باید به آن اهتمام ورزید؛ به خصوص برای محافل علمی و دانشگاهی که محل تضارب آرای اندیشمندان در حوزه‌های مختلف علمی است. این رویکرد در دیگر جوامع و مکاتب فکری و اندیشه‌ای به طور جدی پیگیری می‌شود. آرا و اندیشه‌های متفکران غربی به صورت عمیق و گسترده در قالب کتاب‌ها و رساله‌های تحقیقی، تجزیه و تحلیل می‌شود. در این مسیر، علاوه بر احیای اندیشه آن متفکر، اصول کلی و نیز روش او در تبیین و تحلیل مسائل و مشکلات فکری، اجتماعی و... استخراج و ارائه می‌شود. به هر حال این گونه نیست که بتوان اندیشه متفکری را به صرف گذشت زمان، ناصواب و بی اعتبار دانست. «به نظر می‌آید در دوران معاصر زیرساخت‌های اجتماعی بر زیرساخت‌های سیاسی غلبه یافته و تعیین‌کننده‌تر شده‌اند. تحولات و تغییرات در ساختارهای اجتماعی در مقایسه با تغییرات در ساختارهای سیاسی مهم‌تر و ماندگارتر شده‌اند. اگر تغییراتی در نظام اجتماعی پیش آید، حتماً بر ساختارهای دیگر جامعه اثرگذار بوده و موجب تغییر آنها خواهد شد» (آزاد ارمکی، ۱۳۷۷: ۱۴).

با توجه به اینکه رویکرد استاد مطهری در پرداختن به مسائل اجتماعی رویکردی بنیادین و مبتنی بر منابع اسلامی بوده، ضرورت دارد ابعاد اندیشه ایشان به صورت تخصصی در حوزه‌های مختلف بررسی شود. در این اقدام، می‌توان به شناخت بهتری از خاستگاه، ابعاد و مؤلفه‌های شکل‌گیری مسائل اجتماعی با عطف توجه به نگرش‌های ناب دینی ایشان نائل شد. از آنجا که استاد در حوزه‌های وسیعی از مباحث و مسائل اجتماعی ورود کرده، شایسته است هر کدام از آنها به صورت مفصل در آثار ایشان دنبال شود. در این کتاب از میان مجموعه مباحث اجتماعی مورد توجه استاد، تغییرات اجتماعی و دگرگونی‌های ساختاری در ابعاد مختلف، به عنوان یکی از ویژگی‌های اساسی زیست انسانی، بررسی می‌شود. «امروزه شناخت اندیشه متفکران از امور مهمی است که در حیطه‌های علمی به معنی اعم مطرح است. این کار علاوه بر ارج نهادن به مقام علم و عالم، پیشینه نظرات علمی را در رشته‌های گوناگون نشان می‌دهد و می‌تواند یاریگر پژوهشگری باشد که دست‌اندرکار تدوین نظریه‌ای جدید است؛ زیرا در جامعه مدرن، تفکر اجتماعی نقش حیاتی ایفا می‌کند و تمامی خط‌مشی‌های زندگی نوین متجلی و متأثر از اندیشه‌های اجتماعی است... بنابراین بررسی و تحلیل آرای اندیشمندانی که با پشتوانه کتاب و سنت و در فضای فرهنگ و تمدن اسلامی رشد کرده و با افکار بدیع و اصیل خود، موجب گسترش و توسعه تفکر و پژوهش گشته‌اند، مورد نیاز جامعه اسلامی است» (ستوده، ۱۳۷۶: ۱۰).

طرح مسئله

یکی از جنبه‌های تمایز زندگی انسان با دیگر موجودات اجتماعی تغییر و دگرگونی در فرایند زیست اجتماعی است. تغییر یکی از وجوه تمایز انسان با سایر جانداران، دست‌کم در نگاه ظاهری و محسوس، به شمار می‌آید. تغییرات اجتماعی به صورت‌های مختلفی نمایان می‌شود که می‌توان ظهور سبک‌های جدید زندگی، تحولات تکنیکی، فکری، اجتماعی و تغییرات دیگری را که در نظامات اجتماعی در قالب انقلاب‌ها و... رخ می‌دهد، از جمله آنها شمرد. علاوه بر موارد مذکور، تغییراتی سطحی اما دارای آثار جدی همانند کودتا و شورش را نیز می‌توان در جوامع انسانی مشاهده کرد. تغییر و پویایی اجتماعی به‌عنوان یک روند قابل مشاهده در سطح جامعه همواره مورد تحلیل و بررسی اندیشمندان اجتماعی بوده است. از آنجا که تغییر نقطه مقابل ثبات در ساحت‌های مختلف اجتماع است، دستیابی به نظریات علمی که به واسطه آن درک، تبیین و پیش‌بینی تغییرات امکان‌پذیر شود، مطلوب این اندیشمندان بوده است. با شروع عصر روشنگری و تغییرات بنیادین در جوامع غربی در ساحت‌های فکری و تکنولوژیکی و ساختارهای اجتماعی، توجه به مفهوم تغییر شکل‌های بیشتر و متفاوت‌تری به خود گرفت؛ به‌طوری‌که بخش بزرگی از دانش جدید جامعه‌شناسی در غرب، به مکانیسم تغییرات اجتماعی اختصاص یافت.

استاد مطهری این واقعیت را ذیل مبحث «قوانین اسلام در مقایسه با توسعه و تحول دنیای جدید» مطرح می‌کند و ضمن ضروری و دائمی دانستن تغییر در تمامی دوران بشری، اذعان می‌دارد که در عصر جدید، جهشی در تحول پیدا شده است که در اعصار پیش به این عظمت و وسعت وجود نداشته است (نک: مطهری، ۱۳۸۸، ج ۲۱: ۴۷۱). طلیعه این مطلب را می‌توان در آثار آگوست کنت، پدر جامعه‌شناسی جدید، به خوبی مشاهده کرد. جامعه‌شناسی او با تأسی از رشد علوم تجربی و طبیعی، رویکردی اثباتی را در تبیین مسائل اجتماعی در پیش گرفت. کنت مهم‌ترین دغدغه‌اش را در جلد سوم کتاب فلسفه اثباتی، پویاشناسی جوامع (دینامیسم اجتماعی) عنوان کرد (آرون، ۱۳۸۲: ۹۳). این مسئله با پدیدار شدن تغییرات ملموسی چون وقوع انقلاب‌ها، رشد شهرنشینی و تحرکات جمعیتی، رشد تکنولوژی و گسترش بروکراسی ذیل عنوان دولت مدرن، باعث معطوف شدن توجه صاحب‌نظران و محققان علوم اجتماعی به موضوع تغییرات اجتماعی و ارائه نظریات گوناگون در این عرصه شد که این موضوع را در مرکز گفتمان جامعه‌شناسی مدرن قرار داده است. در میان جامعه‌شناسان معاصر، کمتر نظریه‌ای را می‌توان

یافت که مدل و الگویی مستقیم یا غیرمستقیم برای تبیین تغییر اجتماعی نداشته باشد. برای مثال، آگوست کنت تغییرات را ناشی از تکامل تاریخی فکر بشر دانسته (آرون، ۱۳۸۲: ۲۹) و کارل مارکس جبر تاریخی ناشی از تضاد طبقاتی را موتور این تغییر قلمداد کرده است (آرون، ۱۳۸۲: ۷۵). در این بین، کسانی همچون ماکس وبر نیز ضمن توجه به نقش ساختارهای اجتماعی، به نقش عواملی غیرمادی چون مذهب در پیدایش تغییرات اشاره کرده‌اند (نک: وبر، ۱۳۸۸).

دو مسئله مهم: نظم و تغییر

به طور کلی جامعه‌شناسی به‌عنوان یک رشته، دو مسئله مهم و اساسی دارد: ۱. مسئله نظم که در منابع جامعه‌شناسی به مسئله هابزی معروف است؛ ۲. مسئله تغییر که به مسئله مارکسی معروف است (زتومکا، ۱۹۷۴؛ به نقل از چلبی، ۱۳۸۶: ۱۱). درباره مسئله تغییر، سؤالات اساسی این است که جامعه چگونه تغییر می‌کند، مکانیسم‌های تغییر کدام‌اند، عوامل تغییر چیست و انواع آن کدام‌اند و پیامدهای آن از چه قرارند. در واقع از جامعه‌شناسی انتظار می‌رود که دو مسئله اساسی چگونگی پیدایش نظم و چگونگی پیدایش تغییر را تشریح کند. شاید اغراق نباشد اگر گفته شود مسائل و تحولاتی که در جامعه‌شناسی مطرح می‌شود همگی به‌گونه‌ای مشتق از یکی یا ترکیبی از این دو مسئله اساسی است (چلبی، ۱۳۸۶: ۱۲). افزون شدن توجه به مبحث تغییرات اجتماعی محصول عصر به اصطلاح روشنگری و پیدایش جامعه به شکل مدرن و شتاب روزافزون آن بوده است؛ اما تکاپوی اندیشه‌ورزی در این موضوع به قدمت تاریخ فکر در بشر بوده و اندیشمندان حوزه اجتماع هرکدام با توجه به مبانی فکری خویش پاسخی به این مسئله مهم داده‌اند. این تکاپو از آرای بزرگانی چون افلاطون و ارسطو شروع شده و تا به امروز ادامه یافته است. در این بین، مدل‌های متنوعی از تغییرات اجتماعی ارائه شده است که هرکدام علت یا علل متفاوتی را در پیدایش تغییرات در جوامع انسانی تشریح می‌کنند. افلاطون مدل دوری را برای فهم تغییرات پیشنهاد داده و ارسطو تغییرات اجتماعی را به صورت خطی تبیین کرده و متأخرانی مانند هگل و مارکس تبیینی دیالکتیکی را ارائه داده‌اند. در بین اندیشمندان اسلامی نیز کسانی همچون خواجه نصیرالدین طوسی، ابن خلدون، گروه اخوان الصفا، اقبال لاهوری، علامه طباطبایی و استاد مطهری در این موضوع ارائه نظر کرده‌اند. هرچند در میان مجموعه آثار شهید مطهری اثر مستقلی با موضوع تغییرات اجتماعی وجود ندارد، می‌توان آرای وی در این باره را از میان آثار مختلف ایشان استخراج و بررسی کرد. استاد در کتاب‌های جامعه و تاریخ، فلسفه

تاریخ، پاورقی‌های اصول فلسفه و روش رئالیسم، مقالات فلسفی، اسلام و نیازهای زمان و برخی دیگر از نوشته‌هایش به این موضوع تحت عناوینی چون تحول و دگرگونی و تغییر، به ارائه نظر پرداخته است. علاوه بر پی‌جویی پاسخ به سه‌گانه چیستی، چرایی و چگونگی تغییرات اجتماعی در آثار استاد مطهری، موضوع تأثیرپذیری این پاسخ‌ها از مبانی فکری و فلسفی ایشان نیز حائز اهمیت است. تفاوت مبانی فکری اندیشمندان مسلمان با توجه به تأثیرپذیری آنها از جهان‌بینی الهی و توحیدی و تفاوت نوع نگاه ایشان به انسان، جامعه و جهان و همچنین وجود گزاره‌های اخباری فراوان در کتاب و سنت، موضوعی است که باعث شده در تبیین‌هایشان درباره پدیده‌های انسانی نظریات نسبتاً متفاوتی ارائه دهند. تفاوت الگوهایی که اندیشمندان درباره تغییرات اجتماعی ارائه کرده‌اند بدون شک متأثر از تفاوت مبانی فکری و فلسفی آنهاست. الوین گلدنر در این باره می‌نویسد: جامعه‌شناسان تحقیقات خود را بر حسب مفروضات پیشینیان خود سازمان می‌دهند و خصیصه‌های جامعه‌شناسی هم‌بستگی به همین مفروضات ربط دارد و با تغییر آنها جامعه‌شناسی تغییر خواهد کرد (گلدنر، ۱۳۶۸: ۵۹). آرون نیز در تأیید این ادعا می‌نویسد: همه دستگاه‌های فکری جامعه‌شناسی با نوعی بینش کلی در مورد انسان و تاریخ هم‌بسته‌اند (رجبی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۳). اگر مبانی فلسفی و پارادایمی تشکیل‌دهنده نظریات جامعه‌شناختی موشکافی شود، تفاوت تبیین ناشی از مبانی متفاوت در آنها مشخص می‌شود. برای مثال، تکیه بر فردگرایی روش‌شناختی یا کل‌گرایی روش‌شناختی ارتباط مستقیمی با مبانی انسان‌شناسی داشته است. تفاوت دیدگاه اندیشمندان اسلامی که بر مبانی دینی تکیه دارند با صاحب‌نظران جامعه‌شناسی در خصوص مسائل علم‌الاجتماع کاملاً مشهود است؛ چه در پیش‌فرض‌های اساسی و چه در موضوع تحقیق، چه در روش‌های تحقیق موضوع و چه در غایت تحقیق. متفکران مسلمان در کنار روش تجربی، روش عقلی و نقلی را نیز دارای اعتبار و روایی دانسته و در بررسی مسائل اجتماعی از آن سود جسته‌اند (رجبی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۸). با نگاهی هرچند سطحی به آثار استاد شهید مرتضی مطهری به‌عنوان متفکر اجتماعی، این واقعیت را می‌توان دریافت که استدلال‌های علمی و فلسفی ایشان تحت تأثیر پیش‌فرض‌های اسلامی و برگرفته از کتاب، سنت، تاریخ و روش عقلی شکل گرفته است؛ هرچند که در آنها سعی شده است بی‌طرفی علمی همواره رعایت شود. ایشان ضمن نقد علمی نظریات شکل‌گرفته درباره موضوع مورد بحث، در بیان نظریه خود بیانی استدلالی و به دور از ارزش‌دآوری ارائه می‌کند. استاد مطهری ضمن بررسی و نقد آرا و اندیشه‌های دیگران در باب تغییر و تحولات اجتماعی و علل و

عوامل آن، دیدگاه خود را در این زمینه بیان کرده است. بنابراین، مسئله‌ای که در این تحقیق مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد در گام نخست، چستی و چرایی و چگونگی تغییر در سطح اجتماع از نگاه شهید مطهری است و سپس تفاوت پاسخ‌های ایشان متناسب با مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و فلسفه اجتماعی وی بررسی می‌شود. پاسخ استاد به شبهاتی که درباره ثبات اصول دینی و اصل تغییر، شکل‌گیری نیازهای جدید بشر و نحوه حضور و کارآمدی دین در طول زمان مطرح می‌شود، از جمله مسائلی است که در این تحقیق بررسی خواهد شد.

با توجه به دقت نظری که استاد مطهری در بحث‌های علمی خود دارد، به موضوعاتی نیز که هم‌راستا با مباحث تغییرات اجتماعی است، ورود کرده است. او با تفاوت‌گذاری میان دو مفهومی که حاکی از رخداد تغییراتی در بستر جامعه‌اند، ساحت‌های مفهومی هر یک را مدنظر قرار داده و آنها را بررسی کرده است. او درباره مفهوم تکامل و تفاوت آن با پیشرفت چنین توضیحی ارائه می‌دهد: «در مفهوم تکامل، تعالی خوابیده است؛ یعنی تکامل حرکت است، اما حرکت رو به بالا و عمودی. تکامل حرکت از سطحی به سطح بالاتر است؛ ولی پیشرفت در یک سطح افقی هم درست است. یک سپاهی که سرزمینی را اشغال کرده است وقتی قسمت دیگری را بر متصرفات خودش اضافه می‌کند، می‌گوییم پیشروی کرده است؛ یعنی در همان سطحی که بوده مقدار دیگری به قلمرو خودش افزوده است. چرا اینجا نمی‌گوییم تکامل؟ برای اینکه در تکامل، تعالی خوابیده است. پس وقتی که ما می‌گوییم تکامل اجتماعی، در مفهومش تعالی انسان از نظر اجتماعی است نه صرف پیشرفت. ای بسا چیزها که برای انسان و جامعه انسان پیشرفت باشد ولی برای جامعه انسانی تکامل و تعالی شمرده نشود» (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۵: ۵۱۲).

هم‌چنین ایشان در بیان تفاوت میان تکامل و تمام اظهار می‌کند که فرق تکامل با مسئله تمام بودن چیزی در این است که یک شیء اگر دارای یک سلسله اجزا باشد، مثل یک ساختمان و یا یک اتومبیل، مادام که همه اجزای لازم در آن وجود پیدا نکرده، می‌گوییم ناقص است. وقتی که آخرین جزء را مثلاً آخرین آجر را زدند، می‌گوییم تمام شد یعنی همه اجزا به پایان رسید؛ ولی تکامل، در درجات و مراحل است. یک کودک اگر از نظر عضوی ناقص به دنیا بیاید ناتمام به دنیا آمده است ولی اگر از نظر اعضا و جهازات، تمام به دنیا بیاید تازه ناقص است و باید مراحل تکامل را با تعلیم و تربیت طی کند؛ یعنی پله‌های تعلیم و تربیت برای این کودک تعالی است، درجات و پله‌ها را بالا رفتن است (نک: همانجا).

فصل دوم

مبانی تحقیق

طرح نظری تحقیق در این پژوهش، یافتن مجموعه عوامل آشکار و پنهان مادی و معنوی است که در رویکرد استاد مطهری به مقوله تغییرات در سطوح مختلف اجتماعی دخیل اند. برای اندیشه اجتماعی تعریف‌های مختلفی بیان شده است. عموماً به اندیشه‌ای اندیشه اجتماعی گفته می‌شود که در پی تبیین علمی یا فلسفی مسائل مربوط به زندگی اجتماعی انسان باشد. جامعه بشری شامل پوی‌های گوناگونی مانند پوی اقتصاد، تاریخی، سیاسی، دینی و امور مربوط به حکومت و خانواده، مالکیت، روابط زن و مرد، تعلیم و تربیت، آزادی و عدالت و... است. به اندیشه‌هایی که از زبان ژرف‌اندیشان اجتماعی پیش از ظهور علوم اجتماعی کنونی در تاریخ فرهنگ مطرح شده نیز اندیشه اجتماعی می‌گویند (یوسفیان، ۱۳۷۰: ۶).

برای کشف عوامل مذکور، شناخت مبانی فکری و اصول موضوعه‌ای که استاد مطهری نظریات و تحلیل‌های خویش را بر آن بنا نهاده ضروری است. شهید مطهری مانند هر متفکر دیگری، اصول و مبانی روشنی داشته که آنها را طرح و در بررسی مسائل مدنظر داشته است. به همین جهت، پیش از استخراج و تبیین داده‌های مرتبط با مسئله تغییرات اجتماعی و ابعاد و جوانب مرتبط با آن، بایسته است مبانی اندیشه ایشان را بر اساس آثارشان به اجمال بیان کنیم. روشن است که عموم کنش‌ها و تعامل‌های اختیاری و انتخابی هر انسانی با ابتدا بر یک سلسله مبانی شکل می‌گیرد. البته این واقعیتی انکارناپذیر است که «هر فردی خواه‌ناخواه و دانسته و نادانسته، در گرداب مبانی‌ای غرق است که در طول زمان در آن مبانی رشد یافته، آنها را باور کرده و مسلم پنداشته است» (کاویانی، ۱۳۹۳: ۳۰). مسلماً این مبانی در نگرش فرد به جهان پیرامونش و کل هستی تأثیرگذار است.

باین همه، قبل از طرح مطالب مرتبط با مبانی، آنچه از آثار و یادداشت‌های استاد مطهری درباره اندیشه اجتماعی احصا شده، به اجمال مطرح می‌کنیم تا روشن شود ایشان در خصوص اندیشه اجتماعی چگونه تصویری داشته است:

- تفکر اجتماعی شناختن و تجزیه کردن اجتماع است (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱۳: ۲۰۸)؛
- تفکر اجتماعی اندازه‌گیری با مقیاس اجتماعی است (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۵: ۲۲۵)؛
- تفکر اجتماعی شناخت عوامل و علل و معلولات اجتماعی است (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۲۵۱)؛
- مردم چندصد سال پیش تفکر اجتماعی نداشتند (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۲۹: ۶۰۶)؛
- اسلام به تفکر اجتماعی توصیه کرده است (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۲۰۵)؛
- عادت به تفکر اجتماعی که در آیه آخر سوره آل عمران آمده، از دست رفته و تفکر فردی جایگزینش شده است (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۲۴۴)؛
- فکر اجتماعی شماره محصلی از افکار است که روی هم ریخته شده، وحدتی پیدا کرده و مانند یک واحد حقیقی مشغول فعالیت است (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۶: ۴۴۱).

مبانی هستی‌شناختی

در باور اسلامی، همه جهان هستی سیری یکپارچه و منسجم دارد که ناظمش خداوند است، آینده‌ای مشخص دارد و انسان نیز موجودی مهم و تأثیرگذار در آن است. برخی از مبانی هستی‌شناسانه در اندیشه اسلامی به اختصار عبارت است از:

۱. جهان هستی مخلوق خداوند است

از منظر بینش اسلامی، جهان مخلوق خداوند است و با او رابطه علت و معلولی دارد؛ به این معنا که خداوند علت ایجاد هستی و تمام مخلوقات است و بازگشت و مسیر همه مخلوقات نیز به سمت خداست. شهید مطهری بر این مطلب در آثار خود تصریح کرده است. او با استناد به آیه «قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (رعد، ۱۶) می‌گوید: «جهان نه از اصل‌های متعدد پدید آمده و نه به اصل‌های متعدد بازمی‌گردد... رابطه خدا و جهان، رابطه خالق با مخلوق یعنی رابطه علت (علت ایجاد) با معلول است.» (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۰۰) بالتبع، هر تغییر و تحولی که در مخلوقات رخ می‌دهد، از دایره علم خداوند بیرون نیست و او بر همه چیز محیط است: